



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 10, Issue 3 (39), Autumn 2020, pp. 81-93

A Homogeneous Study of the Position of Women in *the Love Letters of a Prophet* (Gibran Khalil Gibran) and *Forty Short Letters to My Wife* (Nader Ebrahimi)

Hasti Ghaderi Sohi¹

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Ahmad Khaejehim²

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Ali Sadeghi Manesh³

Postdoctoral Researcher of Persian language and literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 04/18/2017

Accepted: 07/05/2020

Abstract

A comparative study of the status of woman from the point of view of two authors from two different geographical, linguistic, and national domains, both of whom have written letters to women of interest, undoubtedly falls within the realm of comparative literature; A study for which all the benefits of a comparative study can be imagined, which is to provide a platform for mutual understanding and dialogue and interaction of cultures. In this study, “The Love Letters of a Prophet”, written by Gibran Khalil Gibran with “Forty Short Letters to My Wife” by Nader Ebrahimi are comparatively examined from the perspective of the status of woman; In order for these writers to look at women from different perspectives, especially women's independence and their quality and method of influencing men, family and society, the works are carefully analyzed. What is noteworthy in this regard is that the view of both authors is a positive view, but Nader Ebrahimi's view, especially when it comes to family and community, can be considered more realistic and accurate; This difference may be traced back to the lives of these writers and the type of relationship they had with the women for whom the letters were originally written.

Keywords: Comparative Literature, Gibran Khalil Gibran, Nader Ebrahimi, Woman, Letter.

1. **Corresponding Author's Email:**

ha.ghaderi@hsu.ac.ir

2. **Email:**

a.khajehim@hsu.ac.ir

3. **Email:**

a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۹۹، صص. ۸۱-۹۳

بررسی هم‌سنج جایگاه زن در نامه‌های عاشقانه یک پیامبر (جبران خلیل جبران) و چهل نامه کوتاه به همسر (نادر ابراهیمی)

هستی قادری سُهی^۱

دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

احمد خواجه‌ایم^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

علی صادقی منش^۳

پسادکترای اسطوره‌شناسی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۵

دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۹

چکیده

بررسی هم‌سنج جایگاه زن از نگاه دو نویسنده از دو حیطه جغرافیایی، زبانی و ملی متفاوت که هر دو نامه‌هایی به زنان مورد علاقه خود نگاشته‌اند؛ بی‌تردید در حیطه ادبیات تطبیقی می‌گنجد؛ جستاری که می‌توان برای آن تمامی منافع پژوهشی تطبیقی را که عبارت است از فراهم شدن بستر درک متقابل و گفت‌وگو و تعامل فرهنگ‌ها، متصور بود. در نوشتار پیش رو، نامه‌های عاشقانه یک پیامبر، نوشته جبران خلیل جبران با چهل نامه کوتاه به همسر، اثر نادر ابراهیمی از دیدگاه جایگاه زن بررسی هم‌سنج شد؛ تا نگاه این نویسندگان به زن از دیدگاه‌های گوناگون به‌ویژه استقلال زنان و کیفیت و شیوه تأثیرگذاری آنان بر مردان، خانواده و جامعه به‌طور دقیق تحلیل شود. آنچه در این میان، درخور توجه است آنکه نگرش دو نویسنده، مثبت است، با این تفاوت که نگاه نادر ابراهیمی را به‌ویژه آنجا که سخن از خانواده و اجتماع می‌شود، می‌توان نگاهی واقع‌گرایانه‌تر و دقیق‌تر دانست؛ مسئله‌ای که سرچشمه آن را باید در زندگی این نویسندگان و نوع ارتباط آن‌ها با زنانی جست که نامه‌ها دراصل برای آنان نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، جبران خلیل جبران، نادر ابراهیمی، زن، نامه.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

بررسی دو اثر ادبی که هر دو از نظر ساختاری با تکیه بر نامه‌نگاری شکل گرفته‌اند و نشان از روابط انسانی میان نویسندگان اثر و زن مورد علاقه ایشان دارد، از دیدگاه ادبیات تطبیقی می‌تواند درخور توجه و درنگ باشد، به‌ویژه اینکه دو اثر از نظر زبان، با یکدیگر اختلاف داشته باشند؛ زیرا یکی از شروط اصلی و اساسی انجام پژوهش‌های تطبیقی در حیطه ادبیات، اختلاف زبان دو اثر مورد بررسی است (ر.ک: ندا، ۱۳۹۳: ۲۶؛ نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۴). در پژوهش حاضر دو نویسنده از دو زبان و دو کشور (لبنان و ایران) بررسی می‌شوند؛ متون مورد بررسی کتاب *نامه‌های عاشقانه یک پیامبر اثر جبران خلیل جبران*^(۱) (۱۸۸۳-۱۹۳۱) و *چهل نامه کوتاه به همسر*، اثر نادر ابراهیمی (۱۳۱۵-۱۳۸۷) هستند.

نامه‌های عاشقانه یک پیامبر، اثری است که از گردآوری نامه‌های جبران خلیل جبران به زن مورد علاقه‌اش، ماری هسکل^۱، فراهم آمده است؛ گرچه این رابطه به دلایل متعددی هیچ‌گاه به ازدواج ختم نشد، اما به هر روی، ماری هسکل که سن بالاتری از جبران خلیل جبران نیز داشت، زن محبوب و مورد علاقه این نویسنده لبنانی به‌شمار می‌آمد (ر.ک: نعیمه، ۱۳۸۸: ۵۲). *چهل نامه کوتاه به همسر* اثر نادر ابراهیمی نیز مجموعه‌نامه‌هایی است که نویسنده برای همسرش، نگاشته است (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۶: ب: ۲) و این نامه‌ها آیینۀ تمام‌نمای افکار وی درباره زن مورد علاقه‌اش است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

زمانی که سخن از جایگاه و میزان تأثیرگذاری زن در ادبیات می‌شود، به‌ویژه آنگاه که نویسندگان مورد بررسی مرد هستند، باید این نکته را در نظر داشت که مفاهیم به‌دست آمده، نشانگر نوع نگرش مردان جامعه به زنان نیز می‌تواند باشد؛ این بدان معناست که بررسی هم‌سنگ روی اثر نادر ابراهیمی و جبران خلیل جبران می‌تواند سرچشمه درک نوع نگاه جامعه ایرانی و جامعه لبنانی به زن و جایگاه وی در اجتماع باشد؛ البته باید پذیرفت که تعمیم نگاه نویسنده‌ای به همه هم‌زبانان وی، کار چندان درستی نیست؛ اما میزان اقبال هم‌زبانان این دو نویسنده به آثارشان می‌تواند ملاک و معیار پذیرش مفاهیم این آثار در میان جامعه هم‌زبان باشد؛ در این راستا بایستی در نظر داشت که این کتاب‌ها ده‌ها بار و با شمارگان بالا به‌چاپ رسیده‌اند و در میان جامعه هم‌زبان از اقبال بالایی برخوردار بوده‌اند؛ افزون بر این، جبران خلیل جبران که به‌خاطر سبک نگارش ویژه و نوآیین و نیز خیال‌انگیزی شاعرانه‌ای که در آثارش از آن بهره می‌برد، در میان ادیبان عرب مطرح است (ر.ک: خالد، ۱۹۳۲: ۵۲۲).

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- جایگاه زنان در جامعه لبنانی و ایرانی براساس این دو اثر چگونه است؟
- کارکردها و چالش‌های زنان در جامعه لبنانی و ایرانی در پرتو این دو اثر چگونه قابل توصیف است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

درمورد جبران خلیل جبران و نادر ابراهیمی آثار بسیاری نگاشته شده است که ذکر تمامی آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد؛ به همین روی، به بیان برخی از آثار پژوهشی مطرح ادبیات عربی و فارسی که به کلیت نوشتار پیش رو مرتبط‌تر و نزدیک‌تر هستند، بسنده می‌شود. شعیری و آریانا (۱۳۹۰) مبحث معنا و نشانه‌شناسی را در کتاب *چهل نامه کوتاه به همسر* بررسی کرده‌اند. پورشهرام (۱۳۸۷) به‌طور مفصل آثار داستانی نادر ابراهیمی را نقد و بررسی کرده است. صالحی (۱۳۹۲) *داستان‌های کوتاه غیر ممکن* نادر ابراهیمی و *هزیمه شاطر حسن*، اثر اکرم هنیه را *روایت‌شناسی* کرده که از منظر تطبیقی با نوشتار پیش رو شباهت دارد؛ اما از نظر موضوعی بسیار متفاوت است. درمورد جبران خلیل جبران نیز می‌توان به خالد (۱۹۳۲) اشاره کرد که ویژگی‌های منحصر به فرد آثار ادبی جبران خلیل جبران را بررسی کرده است؛ البته با پژوهش حاضر هم‌سو نیست. کتاب *جبران خلیل جبران* اثر میخائیل نعیمه از آن دست کتاب‌هایی است که درخور توجه و درنگ است و با وجود آنکه موضوع آن با کار پیش رو همسان نیست، در پژوهش حاضر از آن بهره گرفته شده است؛ افزون بر این‌ها آثار زیادی پیرامون جبران خلیل جبران نگاشته شده است که فهرستی دقیق از برخی از آن‌ها را در حشیمه (۱۹۹۸) یافت.

آثار ذکر شده گرچه ارزش بالایی دارند، اما به بررسی تطبیقی آثار دو نویسنده مورد نظر، به‌ویژه در زمینه زن، نپرداخته‌اند؛ بنابراین از نظر تازگی، جستار پیش رو، پژوهشی درخور توجه است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

نگارندگان در پژوهش پیش رو با پیش چشم‌داشتن پرسش‌های پژوهش و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی، خواهند کوشید تا در حیطه ادبیات تطبیقی به درکی صحیح و دقیق از جایگاه و میزان تأثیرگذاری زن در نگاشته‌های این دو ادیب دست یابند. بررسی دیدگاه‌های نادر ابراهیمی و جبران خلیل جبران در پرتو مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی درباره جایگاه زنان، چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد و نمونه‌هایی که از این نویسندگان ذکر می‌شود، آشکارکننده نگرش آن‌ها است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. دیدگاه جبران خلیل جبران و نادر ابراهیمی درباره جایگاه زن

در این مرحله نگرش این دو نویسنده لبنانی و ایرانی به جایگاه و میزان تأثیرگذاری زن با تمرکز بر *چهل نامه*

کوتاه به همسر و نامه‌های عاشقانه یک پیامبر به‌طور دقیق بررسی می‌شود؛ دو اثر که به‌سبب نامه‌نگاری میان نویسندگان اثر با زنان مورد علاقه‌شان، درخور توجه و درنگ است و بیش از دیگر آثارشان، نگاه واقعی و بی‌پرده آنان به مقوله زن را نمایان می‌سازد. در بسیاری از آثار ادبی، چنان‌که برخی پژوهشگران گفته‌اند، از آنجا که قلم در دست مردان بوده است، سیمای زن به‌گونه‌ای که مورد پسند مردها بوده تصویر شده است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲)، اما در دو اثر مورد بررسی، بدان سبب که مکاتبه‌هایی هستند که مخاطبانی واقعی از جنس زن دارند، با نگاهی صادقانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر به این مقوله روبه‌رو هستیم. در راستای پرداختن به این مسئله، نگاه این نویسندگان به مقوله زن از دو جنبه بررسی هم‌سنج می‌شود: الف: استقلال زنان؛ ب: میزان و شیوه تأثیرگذاری زنان بر مردان، خانواده و جامعه؛ دو جنبه بنیادینی که درک آن‌ها می‌تواند پرده از نوع نگرش این دو نویسنده به زنان بردارد و در فهم دیدگاه آنان مؤثر افتد.

۲-۱-۱. استقلال زن

استقلال زنان، یکی از مقوله‌های مهم و درخور توجهی است که پذیرش یا عدم پذیرش آن از سوی مردان از دیرباز، بحث پر دامنه و پرحاشیه روزگاران بوده است؛ به‌ویژه استقلال اقتصادی که برای هر انسانی مهم است و از نخستین حقوق وی به‌شمار می‌آید و زنان در این زمینه، به‌سبب برخی باورهای نادرست و تبعیض آمیز، در طول تاریخ دچار مشکلات بسیار بوده‌اند (ر.ک: حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) درک این نکته که مردان و به‌ویژه نویسندگانی که تأثیری دوچندان بر جامعه پیرامونی خود دارند، چه دیدگاهی درباره این مقوله دارند، بسیار مهم است. در راستای درک هرچه بهتر نگاه جبران خلیل جبران و نادر ابراهیمی به این مقوله، نگاه آنان در کتاب‌های مورد بررسی را به‌طور دقیق تحلیل می‌شود.

۲-۱-۱-۱. دیدگاه جبران خلیل جبران

مکاتبه‌های جبران خلیل جبران با ماری هسکل، نشان از آن دارد که مخاطب وی نه تنها از استقلال اقتصادی برخوردار است که در این زمینه یاری‌گر نویسنده است؛ چنان‌که در یکی از نامه‌ها آمده است:

«همیشه خجالت می‌کشیدم پول تو را بپذیرم. همواره از خودم می‌پرسیدم این کار درست است؟ بارها می‌خواستم بروم و تو را برای همیشه ترک کنم، اما هر بار می‌اندیشیدم: «او بسیار چیزها به من داده است! گمان خواهد کرد من آدم ناسپاسی هستم». حقیقت این است که وابستگی به کمک‌های تو، برایم یک دشنام، یک شکنجه بود.» (جبران، ۱۳۷۹: ۷۰)

چنان‌که در این بخش از نامه دیده می‌شود، جبران خلیل جبران از سویی به گرفتن پول اشاره می‌کند و از دیگری سو به عذاب وجدان پس از گرفتن کمک اقتصادی، اشاره دارد. در جایی دیگر نیز جبران خلیل جبران

به گرفتن پول از ماری هسکل اشاره می‌کند:

«یک روز از من پرسیدی، آیا برای رفتن به پاریس، به پول احتیاج دارم؟ تا آن تاریخ، همیشه از پذیرفتن چنین کمک‌هایی خودداری می‌کردم، اما تو درباره آن پول، چیزی به من گفستی که هرگز فراموش نخواهم کرد: «این پول غیر شخصی است، به هیچ کس تعلق ندارد. فقط در دستمان ما امانت است. این پول یک مایملک نیست، یک مسئولیت است. باید آن را به گیرنده حقیقی‌اش بدهیم.» (همان: ۴۶)

چنان‌که در این بخش از نامه دیده می‌شود، جبران خلیل جبران به سبب شرایط اقتصادی خود به این کمک‌ها نیازمند است؛ او گرچه در آغاز از پذیرش این کمک‌ها سرباز می‌زند، اما در نهایت از آن استقبال می‌کند (ر.ک: همان: ۷۰).

پذیرش این کمک‌ها و اینکه زن مورد علاقه جبران خلیل جبران، زنی تا بدین حد مستقل است، خود می‌تواند، نشان‌دهنده نوع نگرش وی به استقلال زنان، به ویژه از نظر اقتصادی باشد؛ اشارات مستقیم جبران خلیل جبران به توانمندی مالی ماری هسکل را می‌توان به اهمیت این موضوع در نگاه جبران حمل کرد؛ در حقیقت وی زنی را می‌پسندد که نه تنها بتواند از عهده مسائل اقتصادی خود برآید که در صورت نیاز و در شرایط حساس، توانایی پشتیبانی از مرد را نیز داشته باشد. نگاهی که در نوع خود و زمانه جبران خلیل جبران درخور توجه است.

در مورد استقلال رأی زن و مرد، جبران خلیل جبران، در کتاب پیامبر^۱ خود که به قول ماری هسکل، حاصل سخنان وی و جبران است (ر.ک: همان: ۱۱۵)، به گونه‌ای فاصله میان زن و مرد باورمند است که می‌تواند از بند ساختن مهر، برای طرفین، جلوگیری کند و آزادی دوطرف را در رابطه تضمین کند (ر.ک: جبران، ۱۳۸۳: ۴۷). نکته درخور نقد در کتاب پیامبر آن است که جبران در آن در نقش پیامبری است که از او در مورد مسائل مختلف، از جمله ازدواج پرسیده می‌شود؛ حال آنکه وی هیچ تجربه شخصی در زمینه ازدواج ندارد و رابطه او با زن محبوبش ماری نیز به ازدواج ختم نمی‌شود. شاید به همین سبب است که اشارات وی به ضرورت حفظ فاصله میان زن و مرد در ازدواج، گرچه از نظر ادبی زیبا بیان شده است، اما گنگ و مبهم است و نمی‌تواند بیانگر ابعاد دقیق کیفیت استقلال فکری مطلوب، از نگاه جبران باشد.

۲-۱-۱. دیدگاه نادر ابراهیمی

نگرش نادر ابراهیمی در مورد استقلال اقتصادی زن، از این جهت مهم است که او در زمینه اقتصادی، زنان را پیش‌برنده استقلال اقتصادی کل خانواده و در پی آن مردان و فرزندان می‌بیند. به همین سبب است که

در زمینه استقلال اقتصادی، قناعت یکی از کلیدواژه‌هایی است که نادر ابراهیمی در مورد همسرش به کار می‌برد:

«این قناعت تو، دل مرا عجب می‌شکند... این چیزی نخواستت و با هر چه که هست ساختنت... این چشم و دست و زبان توقع نداشتت و به آن‌سوی پرچین‌ها نگاه نکردت.» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ب: ۹)

باید به این نکته توجه داشت که گرچه ابتدا نویسنده در ظاهر از دل‌شکستن می‌گوید، در پایان معلوم می‌شود که این دل‌شکستن، عین ستایش است و در نهایت نیز نادر ابراهیمی، آشکارا این ویژگی‌ها را در همسرش می‌ستاید. در این نامه‌ها زن مستقلاً دیده می‌شود که در شرایط دشوار اقتصادی خانواده، بخشی از دارایی خود را که سگّه طلاست، می‌فروشد (ر.ک: همان: ۱۰۱) و بعدتر دیده می‌شود که در مشکلات اقتصادی خانواده، حتی دستبندی را که نادر ابراهیمی به سبب خاطرات مشترک، بدان دلبسته است و با فروش آن موافق نیست، می‌فروشد (ر.ک: همان: ۱۰۲-۱۰۳). تمام این نمونه‌ها گرچه می‌توانند بر استقلال زن در شیوه حفظ ثبات اقتصادی خانواده دلالت داشته باشند، اما در آن‌ها به ارائه شیوه‌ای برای رسیدن شخص زن به استقلال اقتصادی اشاره نشده است؛ البته با درک این نکته که فرزانه منصوری همسر نادر ابراهیمی، در نقش معلمی دارای درآمد مالی مستقل است و در این کتاب نیز توانمندی وی در شغلش ستایش شده است (ر.ک: همان: ۴۷) می‌توان به درک باورمندی نادر ابراهیمی به استقلال اقتصادی زن دست یافت؛ فرزانه منصوری همچنین در نشر روزبها که از آن همسرش نادر ابراهیمی است، در امر نشر کتاب فعال است (ر.ک: پورشهرام، ۱۳۸۷: ۵۸).

در زمینه استقلال رأی زن، نادر ابراهیمی آرای پیشرو و قابل توجهی دارد؛ او به استقلال فکری زن از مرد باور دارد و آن را مفید می‌داند:

«اگر زاویه دیدمان، نسبت به چیزی، یکی نیست، بگذار یکی نباشد. بگذار فرق داشته باشیم. بگذار، در عین وحدت، مستقل باشیم. بخواه که در عین یکی‌بودن، یکی نباشیم. بخواه که همدیگر را کامل کنیم نه ناپدید. تو نباید سایه کم‌رنگ من باشی. من نباید سایه کم‌رنگ تو باشم.» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ب: ۱۱۱)

این باور به استقلال رأی و تفکر زنان در همین حد خانواده باقی نمی‌ماند و نادر ابراهیمی از حضور فعال زنان و ایفای نقش زنان در امور سیاسی، سخن به میان می‌آورد:

«ما تا زمانی که یک نهضت سیاسی جدی و عظیم زنان باایمان نداشته باشیم، نهضتی شریف و مؤمنانه - محصول انتخاب و تفکر آزاد - گمان نمی‌بریم که بتوانیم به‌درستی از معتقداتمان دفاع کنیم و به آرزوهایمان برسیم.» (همان: ۴۷)

سخنانی که نشان از باور جدی نادر ابراهیمی به این مقوله دارد.

۲-۱. میزان و شیوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زنان

واقعیت آن است که زنان و مردان همواره بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند، اما میزان و چگونگی این تأثیر و تأثر، همواره مورد بحث بوده است. در میان بسیاری از ادیبان مطرح گذشته، زنان به‌عنوان قشری از جامعه وصف شده‌اند که جز به امور پوچ و بیهوده اهمیت نمی‌دهند و اگر مردی به علایق زنان توجه می‌کرد، از مردانگی، که صفتی مثبت بود، به‌دور می‌افتاد (ر.ک: یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)؛ به همین سبب است که برای نمونه، نظامی، مردانی را که مصحف و شمشیر به‌دست نمی‌گیرند، تحقیر می‌کند و آنان را به زنان ظاهرپرستی تشبیه می‌کند که همواره آینه و شانه‌به‌دست هستند:

مصحف و شمشیر بینداخته جام و صراحی عوضش ساخته
آینه و شانه گرفته به دست چون زن رعنا شده گیسوپرست

(نظامی، ۱۳۶۳: ۸۹)

چنان‌که می‌بینید، این نگرش منفی به زنان و بدبینی به تأثیرات آنان بر مردان، در ادبیات، سابقه‌ای کهن دارد و بررسی نگاه نویسندگان مورد بررسی در این زمینه، می‌تواند درخور درنگ و تأمل باشد؛ به همین سبب در ادامه نگاه جبران خلیل جبران و نادر ابراهیمی به این مقوله بیان خواهد شد.

۲-۱-۱. دیدگاه جبران خلیل جبران

جبران خلیل جبران در نامه‌های مورد بررسی، فرایند مهم «شناخت خویشتن» را مدیون آشنایی خود با ماری هسکل می‌داند و همواره بر این موضوع معترف است که ماری می‌تواند احساسات و اندیشه‌های پنهانی او را به او بنمایاند و وی را به کشف خویشتن خویش رهنمون شود؛ برای نمونه می‌گوید:

«تو توانستی چیزی را که در ژرفای درونم داشتم، احساسی را که در آن به‌ندرت با دیگری شریک می‌شدم، بیرون بکشی.» (جبران، ۱۳۷۹: ۴۶)

یا در نامه‌ای دیگر می‌گوید:

«تو قادری کاری بکنی که من، بر بخشی درخشان‌تر و روشن‌تر از وجود خودم، دست بگذارم.» (همان: ۷۲)
او حتی در ک امور مختلف را وابسته به هم‌صحبتی با زن مورد علاقه‌اش می‌بیند:
«تنها زمانی می‌توانم چیزی را بفهمم که آن را برای تو باز گو کنم.» (همان: ۷۳)

آشکار است که جبران، نه تنها نگاه مثبتی به تأثیر زن بر مرد دارد که او را یاری‌گر کشف شخصیت و نیز رهنمون‌سازنده مرد به موفقیت‌ها می‌بیند.

جبران به گونه‌ای اشراق و درک فرامادی باور دارد که زنان می‌توانند به مردان ببخشند: «خواندن نامه‌های شیرین و دلپذیر تو، احساس گیاهی را به من می‌دهد که به سوی نور می‌روید و تاریکی‌های خود را از یاد می‌برد.» (همان: ۹۶)

یا:

«به‌خاطر هر واژه‌ای که نگاشته‌ای و به‌خاطر روح الهی‌ای که در هریک از آن‌ها جای دارد، سپاسگزارم.» (همان: ۱۰۷)

این نکته که مردان در کنار زنان احساس کمال می‌کنند، در این نگاشته‌ها تجلی یافته است: «تو نیازی به سخن گفتن نداری، نیز حتی به خندیدن؛ بودن در کنار تو، مرا وامی‌دارد احساس کنم، یک انسان کامل هستم.» (همان: ۶۶)

در نگاه جبران خلیل جبران به زن، می‌توان این نکته را دریافت که او زن مورد علاقه‌اش را القاکننده مفهوم صلح و آزادی می‌بیند:

«ادراک تو، صلح و آزادی‌ای ژرف‌تر از آنچه تاکنون تجربه کرده‌ام، به من بخشیده است.» (همان: ۷۷)

چنان که دیده می‌شود، نسبت‌دادن توان ادراک صلح و آزادی از سوی مرد به سبب تأثیرپذیری از زنان، بسیار قابل توجه است؛ براین اساس می‌توان استنباط کرد که زنان می‌توانند موجب گسترش صلح و آزادی در جامعه باشند.

اشاره به این میزان تأثیرپذیری مثبت از زن، در این نامه‌ها، می‌تواند نشان از نگاه بسیار مثبت جبران به زنان و تأثیرگذاری آنان بر فرد و جامعه داشته باشد. تأثیرگذاری‌ای که به‌باور وی می‌تواند، کمال مردان و نیز گسترش صلح و آزادی در جامعه را در پی داشته باشد.

۲-۱-۲. دیدگاه نادر ابراهیمی

آنچه از نامه‌های نادر ابراهیمی به همسرش می‌توان برداشت کرد، آن است که وی فرایند درک عیوب خویشتن و اصلاح آن را، مدیون همسرش می‌داند؛ درحقیقت، وی نیز همچون جبران خلیل جبران زنان را در فرایند «شناخت خویشتن» یاری‌گر مردان می‌بیند و بر این امر تأکید می‌ورزد:

«و تو با چه مشقتی، انصافاً، درطول این سال‌های ستم‌بار استخوان‌شکن، کوشیده‌ای که از من موجودی کم‌عیب بسازی، یا دست‌کم آگاه بر عیوب خویش.» (ابراهیمی، ۱۳۸۶ ب: ۹۴)

او همواره معترف است که گذر از معایب و دست‌یافتن به موفقیت‌هایش را مدیون همسر خویش است و کامل‌کننده، پایگاه و تکیه‌گاهش، کسی جز همسرش نیست (ر.ک: همان: ۱۳۰).

در نگاه نادر ابراهیمی، زنان همواره تکیه‌گاه و پشتیبان مردان در راه رسیدن به اهداف بزرگ هستند و بدون تأثیرات مثبت و سازنده آنان، کسب موفقیت‌های بزرگ، امکان‌پذیر نیست^(۲)؛ از همین روست که او در یکی از نامه‌ها به شیوه صعود گروه‌های کوهنوردی به قله‌های مرتفع اشاره می‌کند که در آن‌ها دو گروه، یک گروه بزرگ و یک گروه کوچک به یاری هم به سوی قله می‌روند؛ افراد این دو گروه از نظر حرفه‌ای در زمینه کوهنوردی به یک میزان توانمند هستند، اما گروه بزرگ‌تر برای رسیدن گروه کوچک‌تر، ایثار می‌کند و شرایط را برای صعود نهایی این گروه فراهم می‌سازد؛ وی زن را به آن گروه بزرگ تشبیه می‌کند: «تو آن گروه بزرگی، من آن گروه بسیار کوچک.» (همان: ۸۴)

بر این اساس، نادر ابراهیمی بر این باور است که زنان در جامعه، با ایثارگری، راه را برای پیشرفت مردان هموار می‌کنند و از این رو منشأ تأثیرات مثبت فراوانی بر مردان و جامعه هستند. یکی از مواردی که نادر ابراهیمی بر آن تأکید ویژه‌ای دارد، ضرورت حضور زنان در عرصه سیاست است. او با این استدلال که «عاشق‌ترین مردم، عاشقانه‌ترین آوازه‌ایشان را در سنگر سیاست می‌خوانند.» (همان: ۴۸)، به همسر خویش یادآور می‌شود که اگر نگران آینده نسل آینده و فرزندان خویش است، باید به سیاست وارد شود و در آن عرصه نیز به تأثیرگذاری بر جامعه بپردازد:

«زمانی زیباتر و مناسب‌تر از این، برای ورود به میدان سیاست وجود ندارد. آستین‌هایت را بالا بزن و با همان قدرت بیانی که شاگردان کلاس‌هایت را به سکوت و احترام می‌کشانی، از جانب بخشی از زنان دردمند جامعه خود سخن بگو.» (همان: ۴۷).

چنین تأکیدی بر حضور زنان در سیاست در اندیشه نادر ابراهیمی می‌تواند درخور توجه و درنگ باشد. این نگاه، نگرشی است پیشروانه در به رسمیت شناختن حقوق زنان و نیز پذیرش تأثیرات مثبتی که این بخش از جامعه می‌تواند بر اجتماع خود بگذارد.

یکی از دیگر ویژگی‌هایی که نادر ابراهیمی در این نامه‌ها به همسرش نسبت می‌دهد، توان وی در غم‌زدایی و شادی بخشی است:

«مگذار غم سراسر سرزمین روحت را به تصرف خویش درآورد و جای کوچکی برای من باقی نگذارد؛ من به شادی محتاجم و به شادی تو، بی‌شک بیش از شادمانی خودم.» (همان: ۴۲)

در ادامه همین نامه است که وی به نقش زنان در ایجاد شادی و جلوگیری از افسردگی در خانواده اشاره می‌کند:

«و بدان که تن‌سپاری تو به افسردگی، به زیان بچه‌های ماست و به زیان همه بچه‌های دنیا؛ آخر آن‌ها شادی

صادقانه را باید ببینند تا بشناسند.» (همان: ۴۳-۴۴)

بر این اساس، زن در نگاه نادر ابراهیمی نقش و تأثیری فراتر از شادی بخشی به مرد می یابد و می تواند بر نسل های آینده، با شادمانه زیستن و دوری جستن از افسردگی، تأثیرات مثبت بگذارد:

«چشم کودکان و بیماران، به نگاه مادران و طیبیان است. اگر در اعماق آن، حتی لبخندی محو ببینند، نیروی بالندگی شان چندین برابر می شود.» (همان: ۱۵)

با چنین نگرشی است که تأثیر گذاری زنان از حیطة خانواده فراتر می رود و به جایگاهی می رسد که می تواند بر جامعه خود تأثیرات ژرفی بگذارد.

۳. نتیجه گیری

بررسی دقیق آثار مورد نظر از دیدگاه جایگاه و میزان تأثیر گذاری زن، اینک این زمینه را فراهم ساخته است که بتوان به بررسی هم سنج و جمع بندی علمی ای دست یافت. در نامه های جبران خلیل جبران، پذیرش استقلال زنان در زمینه اقتصادی دیده می شود که نگارنده این نامه ها از اینکه مورد حمایت اقتصادی یک زن قرار گیرد، استقبال می کند (ر.ک: ۱۳۷۹: ۷۰)؛ در حقیقت، او زنی تا بدین حد مستقل از نظر اقتصادی را پسندیده است و همواره او را می ستاید. نادر ابراهیمی نیز استقلال اقتصادی زنان را به رسمیت می شناسد و آن را می پسندد و آنان را پیش برنده و حافظ استقلال اقتصادی کل خانواده می داند و قناعت ایشان را سبب حفظ استقلال در حریم خانواده ارزیابی می کند (ر.ک: ۱۳۸۶: ۹) در مورد استقلال فکری جبران، گرچه عبارات دقیق و واقع گرایانه ای به کار نمی برد؛ اما به گونه ای فاصله میان زن و مرد، حتی پس از ازدواج، باور دارد که بر اثر آن زنان و مردان بتوانند در آسودگی کامل و آزادانه، باورهای مختلف و متفاوتی داشته باشند (ر.ک: ۱۳۸۳: ۴۷).

دیدگاه نادر ابراهیمی به استقلال فکری زنان به گونه ای نظام مندتر و دقیق تر از جبران خلیل جبران تبیین شده است. نادر ابراهیمی نه تنها از استقلال رأی و نظر زنان در خانواده و زندگی مشترک دفاع می کند (ر.ک: ۱۳۸۶: ۱۱۱) بلکه حضور فعال و بیان نظرات متفاوت و حتی مخالف آنان در بستر اجتماع و سیاست را به عنوان ضرورت مطرح می سازد (ر.ک: همان: ۴۷).

در مورد میزان و شیوة تأثیر گذاری زنان بر مردان، خانواده و جامعه، نگاه جبران خلیل جبران به زن، نگاهی مثبت است؛ دیدگاهی که در آن زنان می توانند مردان را به سوی درک خویشتر خویش رهنمون شوند (ر.ک: جبران، ۱۳۷۹: ۴۶) و منبع گونه ای اشراق در درک خود و جهان برای مردان باشند (ر.ک: همان: ۹۶)؛ از این جهت نادر ابراهیمی با نویسنده لبنانی کاملاً هم سواست و او نیز زنان را پیش برنده مردان برای درک خویشتر و پاک شدن از عیب ها می بیند (ر.ک: ۱۳۸۶: ۹۴)؛ افزون بر این، نادر ابراهیمی زنان را تکیه گاه و پشتیبانی می بیند که با ایشارگری خود نه تنها مردان که کلیت جامعه را به سوی موفقیت پیش می برد (ر.ک: همان: ۸۴).

جبران خلیل جبران گسترش صلح و آزادی در جامعه را نیز به گونه ای با حضور زنان در جامعه مرتبط می بیند

(ر.ک: ۱۳۷۹: ۷۷)؛ در این زمینه نادر ابراهیمی با بیانی دقیق‌تر، حضور زنان در سیاست را به‌عنوان بستری برای گسترش عشق و موفقیت نسل‌های آینده و فرصتی برای بیان دغدغه‌های زنان درموند جامعه می‌بیند (ر.ک: ۱۳۸۶ ب: ۴۷). افزون بر این، نادر ابراهیمی، زنان را نه تنها غم‌زدای مردان؛ بلکه عامل گذر نسل‌های آینده از افسردگی و اندوه می‌بیند (ر.ک: همان: ۱۵) و به همین سبب بر شادی آنان تأکید فراوان دارد.

با پیش چشم‌داشتن این کلیت، نکته درخور توجه در مورد این دو نویسنده آن است که با وجود اشتراکات فراوانی که آن‌ها درباره جایگاه و میزان تأثیرگذاری زن دارند، نگاه نادر ابراهیمی به این مقوله، واقع‌گرایانه‌تر و تبیین‌های او از زندگی مشترک با زن و تأثیرگذاری زنان بر خانواده و جامعه دقیق‌تر است. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که نادر ابراهیمی، تجربه هم‌زیستی با زن مورد علاقه‌اش در قالب ازدواج را داشته است؛ درحالی که جبران خلیل جبران این فرصت و تجربه را نیافته و همواره به گونه‌ای خیال‌پردازانه و همراه با خیال‌پردازی در مورد این مقوله‌ها پرداخته است. به‌هرروی، نکته درخور توجه در این مجال آن است که دو نویسنده قرن بیستمی که از دو حیطه جغرافیایی، زبانی و حتی دینی متفاوت^(۳)، برخاسته‌اند؛ اشتراکات درخور توجهی در زمینه جایگاه و میزان تأثیرگذاری زن دارند و کشف این اشتراکات می‌تواند رهگشای درک و گفت‌وگوی میان این دو حیطه فرهنگی شود و ما را به یکی از اهداف اصلی ادبیات تطبیقی که همانا گفت‌وگوی تمدن‌هاست (ر.ک: مقدادی، ۱۳۸۱: ۱۲۹) رهنمون شود و عرصه را برای گسترش تفاهم‌ها فراهم سازد.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) جبران خلیل جبران به‌عنوان نویسنده‌ای لبنانی - آمریکایی که برای غریبان به زبان انگلیسی و برای عرب‌ها، به‌ویژه عرب‌های لبنان و سوریه به زبان عربی می‌نویسد و در نگاشتن متون ادبی به هر دوی این زبان‌ها تبخّر دارد، در جهان مشهور است (ر.ک: احمد^۱، ۲۰۱۳: ۱). اثر مورد بررسی در پژوهش حاضر، حاصل تلاش پائولو کونلیو^۲ برای گردآوری آن‌هاست؛ درحقیقت پائولو کونلیو، با سازوکار ویژه‌ای، از میان نامه‌های جبران خلیل جبران، نامه‌های وی به ماری هسکل را جدا کرده و سپس باعنوان *Gibran kahlil Gibran. As cartas de Amor do profeta* به زبان پرتغالی ترجمه کرده است؛ به‌همین‌روی، از آنجا که نسخه اساس به زبان پرتغالی است و پژوهش پیش رو نیز بر بررسی قیاسی بلاغت و جمال‌شناسی متون تأکید ندارد، آوردن ترجمه فارسی متون جبران خلیل جبران کافی است.

(۲) چنان که وی در کتاب *ابن مشغله* نیز می‌گوید: «ما بدون زنان خوب مردان کوچکیم.» (ابراهیمی، ۱۳۸۶ الف: ۱۱)

(۳) جبران خلیل جبران در خانواده‌ای مسیحی مارونی به دنیا آمد و مادرش کامله، فرزند یک کاهن مارونی بود (ر.ک: شکیب سعادة، ۲۰۰۰: ۱۳۱).

منابع و مآخذ

ابراهیمی، نادر (۱۳۸۶ الف). *ابن مشغله*. چاپ هفتم، تهران: روزبهان.

- (۱۳۸۶). *چهل نامه کوتاه به همسرم*. چاپ دوازدهم، تهران: روزبهان.
- پورشهرام، سوسن (۱۳۸۷). *نقد و بررسی آثار داستانی نادر ابراهیمی*. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: مهیار علوی مقدم، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- جبران، خلیل جبران (۱۳۷۹). *نامه های عاشقانه یک پیامبر*. گردآوری پائولو کونلیو. ترجمه آرش حجازی. چاپ دوم، تهران: کاروان.
- (۱۳۸۳). *پیامبر و دیوانه*. ترجمه نجف دریابندری. چاپ بیست و پنجم، تهران: کارنامه.
- حبیبی، ام البنین (۱۳۹۰). *استقلال مالی زن*. فصلنامه طهورا، ۴ (۱۱)، ۱۵۲-۱۷۷.
- حسینی، مریم (۱۳۹۳). *ریشه های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی*. چاپ دوم، تهران: چشمه.
- حشیمه، کمیل (۱۹۹۸). جبران خلیل جبران، کتب و مقالات تناولته بالبحث ۱۹۱۲-۱۹۹۸. *المشرق*، ۱۲ (۲)، ۵۲۹-۵۴۰.
- خالد، امین (۱۹۳۲). *الجواهر الفردی فی أدب جبران خلیل جبران*. *المشرق*، ۳۰ (۷)، ۵۲۲-۵۲۹.
- شعیری، حمیدرضا و دیانا آریانا (۱۳۹۰). *چگونگی تداوم معنا در چهل نامه کوتاه به همسرم از نادر ابراهیمی*. *فصلنامه نقد ادبی*، ۴ (۱۴)، ۱۶۱-۱۸۵.
- شکیب سعادة، جرجس (۲۰۰۰). *الله فی أدب جبران خلیل جبران*. *المشرق*، ۲۴ (۱)، ۱۲۵-۱۵۰.
- صالحی، پیمان (۱۳۹۲). *روایت شناسی داستان های کوتاه نادر ابراهیمی و اکرم هنیه؛ مطالعه موردی داستان غیر ممکن و هزیمه شاطر حسن*. *کاوش نامه ادبیات تطبیقی*، ۳ (۱۲)، ۱۷-۳۸.
- مقدادی، بهرام (۱۳۸۱). *ادبیات تطبیقی و نقش آن در گفتگوی تمدن ها*. *مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۹ (۱۳)، ۱۲۹-۱۵۰.
- ندا، طه (۱۳۹۳). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه هادی نظری منظم. چاپ سوم، تهران: نی.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۶۳). *کلیات حکیم نظامی گنجه ای*. تصحیح وحید دستگردی. چاپ دوم، تهران: مطبوعات علمی.
- نظری منظم، هادی (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه های پژوهش*. *نشریه ادبیات تطبیقی*، ۱ (۲)، ۲۲۱-۲۳۷.
- نعیمه، میخائیل (۱۳۸۸). *جبران خلیل جبران*. ترجمه سید ناصر طباطبایی. چاپ اول، تهران: افراز.
- یزدانی، زینب (۱۳۸۹). *زن و شعر*. چاپ دوم، تهران: تیرگان.

Reference

- Ahmed, S. A. (2013). Social Reformations of Jibran Khalil Jibran in the Novel 'Al-Ajinha Al-Mutakassira'. *Journal of Humanities and Social Science*. 11, 1-2.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة العاشرة، العدد ٣ (٣٩)، خريف ١٤٤١، صص. ٨١-٩٣

دراسة مقارنة في مكان المرأة من منظور جبران خليل جبران (رسائل حبّ النبي) ونادر ابراهيمي (أربعون رسالة قصيرة لزوجتي)

هستي قادري شهري^١

طالبة الدكتوراه في فرع الأدب الملحمي، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة حكيم سبزواري، سبزوار، إيران

احمد خواجهام^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية جامعة حكيم سبزواري، سبزوار، إيران

علي صادقي منش^٣

أستاذ مساعد في ما فوق دكتوراه علم الأساطير قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية جامعة حكيم سبزواري، سبزوار، إيران

القبول: ١٤٤١/١١/١٣

الوصول: ١٤٣٨/٧/٢٠

الملخص

لا شك أنّ الدّراسة الحاضرة تنتمي إلى الأدب المقارن لأنّها تتناول مكانة المرأة من منظور كاتبين من حيث النّاحية الجغرافية، اللّغوية والقومية المختلفة حيث أنّ كلاهما كتب رسائل إلى المرأة التي يجيها حيث يمكن تصوّر جدوى المقارنة في تهيئة حيز الفهم المتبادل في الحوار واندماج الحضارات. من السهل في هذه الدّراسة رؤية المقارنة في مكانة المرأة في أثر جبران خليل جبران رسائل حبّ نبي أثر جبران خليل جبران و أربعين رسالة قصيرة لزوجتي أثر نادر ابراهيمي حيث نحلّ نظرهما إلى المرأة من زوايا مختلفة كاستقلال المرأة وكيفية تأثيرها على الرّجل والأسرة والمجتمع. وما يسترعي الانتباه هنا أنّ نظرة كلّ كاتب إيجابية مع وجود اختلاف في أنّ نظرة نادر إبراهيمي حين يتعلّق الأمر بالأسرة والمجتمع أكثر دقّة وواقعية ويمكن تقصي السبب في حياتهما ونوع علاقتهما لتبيّن لما كتبت الرسائل في الأصل.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، جبران خليل جبران، نادر ابراهيمي، المرأة، الرسائل.

